



آیه الله  
فاضل لنکرانی

عضو جامعه مدرسین و شورای مدیریت مدرسه فیضیه

# تفاسیر



## در راه فُزُولِكُ

(۳)

\*\*\*

در شماره قبل با یکی از ابعاد اعجاز قرآن (شخصیت رسول الله) آشنا شدیم، هم - اکنون با ابعاد دیگر آن می پردازیم:

### \* همگونی و هماهنگی

جهت رسائی مطلب و بیان این بعد از اعجاز قرآن، ناچار از بیان مقدماتی هستیم: ۱- یکی از ویژگیهای جهان ماده تحول و تکامل تدریجی است، پدیده‌ها همیشه با تکامل تدریجی پیش می‌روند، از کودکی به جوانی از جوانی به بزرگی و...

انسان نیز که جزو جهان و یکی از پدیده‌های عالم است از این قانون مستثنی نبوده و همیشه در حال تغییر و دگرگونی است. این تحول هم در ساخت جسمی انسان جاری است و هم در افکار و اندیشه‌های وی، بسیارند کسانی که در ۲۰ سالگی از اندوای حمایت می‌کردند، ولی در ۳۰ سالگی از همه آنها بریده و به افکار جدیدی پای بند می‌شوند، این خود دلیل تحول اندیشه و دگرگونیهای فکری و روحی انسان است.

اینها هم از یک طرف، از جهت دیگر انسان در حالات مختلف از اندیشه‌های مختلفی برخوردار است. در حالت امنیت، سلامت، و رفاه بگونه‌ای فکری کند، ولی در حال فقر، مرض، ترس و ناامنی بگونه‌ای دیگر در مسافرت از اندیشه‌ای دفاع می‌کند، ولی در

وطن آن فکر را بوج و خالی از حقیقت می‌داند. ۲- هیچ کتابی به جامعیت قرآن نیست. در قرآن از همه معارف بشری بصورت کلی سخن به میان آمده، و در تمام شئون بشری بطور وسیع و دامنه دار پیش رفته است. در قرآن هم به آسمان، زمین، ستارگان، کیهانها تاریخی شده و هم از انسان، حیوان، عالم غیب، عالم شهود و... گفتگو به میان آمده است.

اکنون بخود قرآن برمی گردیم، و یکی از آیات الهی را مورد رسیدگی قرار داده، و نگاه نسیجه می‌گیریم. در سوره نسا، آیه ۸۳ می‌خوانیم:

“أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهَا خِلَافًا كَثِيرًا”

چرا در قرآن ندید نمی‌کنند، که اگر از ناحیه خدا نبود تناقض و اختلاف فراوانی در آن پیدای نمودند.

در این آیه بعد دیگر اعجاز قرآن اشاره شده، این بعد همان بعد هماهنگی و همگونی است. قرآن با اینکه از موضوعات مختلف سخن گفته و در مدت بیست و سه سال قطعه قطعه بطور تدریجی نازل گردیده، در میان همه آیات هماهنگی و همگونی کامل برقرار بوده، و هیچگونه تضاد و اختلافی میان آیات بچشم نمی‌خورد، حتی در موارد بظواهر نگارگری یا تعمق بیشتر می‌بینیم در مورد دروم خصوصیت و ویژگی خاصی در نظر گرفته شده است، این خود دلیل اعجاز





عده‌ای در این راه با تحمل زحمات طاقت فرسا کتابها و رساله‌ها نوشتند، پس کو آن عدم اختلاف و هماهنگی که شما مدعی آن هستید؟ کسانی که مدعی چنین اشکالی هستند، پیداست از کار محقق و تحقیق اطلاع کافی ندارند، نمی‌دانند یک فرد برای کاوش و تحقیق در برامون یک مسئله چه راهبائی را باید طی کند و از کدام کدر کا هبیا باید بگذرد.

محقق، در راه تحقیق هر راه احتمالی را باید پیش بگیرد و هر مسئله فرضی را در "بونه" امکان گذارده و از آن تحقیق نماید، از این "فرضها" و "امکانها"، آنجا که دلیل یکی متقن تر و مستحکم تر باشد و رابه عنوان نتیجه تحقیق انتخاب نماید، این بود راه تحقیق و محقق.

در خصوص قرآن نیز مفسرین با همان راه ابتدا "فرضها" و "امکانها" را در باره آیات قرآن بررسی کرده و آنگاه به باسختی و با کوشش برداخته‌اند، یعنی گفته‌اند اگر درباره این آیه (فرضا) چنین اشکالی پیدا شود باسختی چنین خواهد بود.

در این میان خائسین به قرآن و اسلام برای ضربه زدن به اسلام و قرآن، اشکالها را بدون پاسخ‌ها بطور بریده در کتابهای جمع‌آوری نموده و در اختیار مردم قرار می‌دهند، در حالیکه نمی‌دانند بانی خواهند بدانند اسلام بعلو و لا یعلی علیہ.

۲- در سوره بقره آیه ۱۰۵ می‌خوانیم: "مَا تَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسَخُهَا لَا تَكُنْ يَكْفِيرًا" "بشها آو یتلها"

هر چه از آیات قرآن نسخ کنیم یا حکم آن را متروک سازیم (بپنتر آن با مانند آن بساوریم).

و در سوره نحل آیه ۱۰۱ می‌فرماید: "وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَكْبَرُ" "أَقْلَمُ بِمَا يُكْرَمُ"

و ما هرگاه آیهی را از راه مصلحت نسخ بقیه در صفحه ۲۵

پاسد اسلام ۱۳/

## یکی از کفار: ... بخدا سوگند از محمد سخنی شنیدم که نه انس را چنین سخنی است و نه جن را.

است که محمد آنرا از احزان گرفته! (۱)  
به نقل قرطبی، ولید بن مغیره در پاسخ ابو جهل چنین گفت: "بخدا سوگند از محمد سخنی شنیدم که نه انس را چنین سخنی است و نه جن را، دارای حلاوت و تیرینی خاصی است، سخن تازه و بی سابقه‌ای است، ریشه دارد، برتر، برجسته‌ترین سخن و برجسته‌تر از آن سخنی نیست و بشر از گفتن آن عاجز و بیرون است" (۲)

گفتم هماهنگی و همگونی آیات قرآن و عدم اختلاف در آن دلیل اعجاز قرآن و الهی بودن آن است. اینجاست که اشکال مواجه می‌شویم که الزاما با سخگوی آنها نیز باید باشیم:

۱- شما عدم اختلاف را یکی از نشانه‌های اعجاز می‌دانید، در صورتی که قرآن بیش از کتابهای دیگر مورد تاخت و تاز قرار گرفته و بیش از نوشته‌های دیگر با اختلافات و "ان قلت هار و برو گردیده است، حتی

۱- تفسیر طبری ۲۹/ ۹۸

۲- تفسیر قرطبی ۱۹/ ۷۲

قرآن و آسمانی بودن و الهی بودن آنست، چه اگر قرآن تراویحات فکری و روحی مشخص حضرت محمد (ص) بود، قهرا در آیات و مفاهیم و موضوعات و... آن تناقض گوئی، ناهمگونی و نکادب مشاهده می‌گردید، چون رسول الله، بالاخره انسان است و بیرون از حوزه قوانین طبیعت نمی‌باشد، بر اساس ویژگیهای یک انسان بااست در افکار و اندیشه‌هایش تغییر و تحول صورت بگیرد، با دگرگونی اندیشه‌ها، سواوری، ناهمگونی، تناقض گوئی و اختلاف و بعضا تکذیب بعضی از آیات آیات دیگر را امری قطعی و اجتناب ناپذیر است.

تاریخ نیز گواه صدق این گفتار و مؤید این بعد از اعجاز قرآن است، انهم از زبان مخالفین، از زبان کسانی که سرخستانه با قرآن می‌جنگیدند و علیه آن به توطئه برخاسته و کفر به نابودیش سینه بودند. در تاریخ می‌خوانیم: روزی ابو جهل از ولید بن مغیره خواستار اظهار نظر درباره قرآن شد، وی در پاسخ چنین گفت:

"درباره قرآن چه گویم؟ سوگند بخدا در میان شما کسی آشناتر از من به قصائد و اشعار عرب نیست، در ساختن رسوز فصاحت و بلاغت و فنون شعر و رجز کسی به پای من نمی‌رسد، من بهرگونه شعر حتی اشعار جنیان از دیگران آگاه‌ترم، ولی بخدا سوگند اینکه محمد می‌گوید به هیچ یک از اینها که گفتم شایسته ندارد. آری بخدا قسم کفار محمد دارای حلاوت خاصی است که هر سخن بلیغ و تیرینی را در هم می‌شکنند و بر تمام گفتارها برتری دارد و برتر از آن سخنی متصور نیست."

ابو جهل گفت: بخدا سوگند افسوام و عسیرات از نوراضی نخواهد گردید مگر آنکه بر علیه قرآن چیزی بگوئی.

ولید گفت: پس صبر کن در این باره فکر کنم، پس از اندک تأمل گفت: قرآن سحری



”عَنِ الصَّلَاةِ قَبْلَ أَنْ تُمْ مَسْبُورُونَ“

۹۲ - مائده

همانا غرض و خواست نیتان ایجاب  
عداوت و دشمنی است بوسیله شراب و قمار  
و بوسیله همین عمل شمارا از یاد خدا هم باز  
می دارد، پس آیا خود را بازمی داریدومی -  
باشید از آنها که خود را با زداشته اند.



کرده، و آنچه را که دانسته ضرر دارد برای  
آنها نهی کرده و حرام نموده.

در روایات یکی از علل حرمت خوردن  
خون و دم، قساوت قلب آمده ناچائی که  
می گوید: ممکن است قساوت خوردن دهان به  
جائی برسد که پدر فرزندش را بکشد، و با فرزند  
بدر و مادرش را بکشد، و با راجع به سردار  
لاغر و ضعف جسم و همانند آنها مطرح شده.  
و همین طرز در اسلام بطور کلی درندگان و سباع  
تحریم شده، بدهن می آید که یکی از اسرارش  
بیدایش حالت درندگی در انسان است، چون  
انواع غذا در روحیه موثر است. با قرآن در  
مقام بیان حرمت شراب و قمار بازی و همانند  
آن بایمان مفاسدش، انسانها را متوجه  
حرمتش می نماید:

”إِنَّمَا يَرِيْدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ  
”الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَ  
”الْمَيْسِرِ وَيُحْدِثُكُمْ عَنِ الذِّكْرِ لِلَّهِ وَ“

”وَتَعَالَى لِمَ يُحَرِّمُ ذَلِكَ عَلَى عِبَادِهِ“  
”وَأَحَلَّ لَهُمْ مَا سِوَاهُ رَغْمًا مِنْهُ قِيمًا“  
”حَرَّمَ عَلَيْهِمْ وَلَا زَهْدًا قِيمًا حَلَّ لَهُمْ“  
”وَلَكِنَّهُ خَلَقَ الْخَلْقَ فَعَلِمَ مَا يَقُومُ بِهِ“  
”أَبَدًا لَهُمْ وَمَا يَحْلِبُهُمْ فَاحْلَهُ لَهُمْ“  
”وَأَبَا حَمَّةً تَفَضَّلًا عَلَيْهِمْ لِمَصْلَحَتِهِمْ“  
”وَعَلِمَ مَا يَضْرَهُمْ فَسَبَّاهُمْ عَنْهُ وَحَرَّمَ“  
”عَلَيْهِمْ“

وقتی مفضل ز امام سوال می کند به چه  
جهت و فلسفه و علت شراب و مردار و خون و  
گوشت خوک حرام شده؟ حضرت در جواب  
می فرماید: خداوند تحریم و تحلیلش بر پایه  
رغبت خود در محرمات و زهد و بی میلی در  
آنچه که حلال نشده نبوده (چون و فوق جهان  
ماده و خالق همه چیز و بی نیاز و غنی بالذات  
است)، بلکه بر پایه، مصلحت و آنچه قوام  
بدن آنها را و صلاحشان را در او دیده حلال

## توجه

تقاضای همکاری

از خانواده های محترم، روحانیون و  
طلاب شهید و همچنین از کلیه خواهران  
و برادرانی که در مناطق خود خانواده ها  
و دوستان طلاب شهید را می شناسند،  
تقاضا می نمایم که عکس های شخصی و  
دستجمعی و یادگاری شهید را همراه  
شرح حال که حاوی این نکات " نام و نام  
خانوادگی - محل تولد - چگونگی وضع  
خانواده - مراحل تحصیل و میزان  
تحصیلات - مبارزات در زمان طاغوت -  
نقش ایشان پس از انقلاب - تاریخ و محل  
شهادت - چگونگی شهادت - محل دفن "  
باشد بطور مختصر و مفید به آدرس:

قسم - صندوق پستی ۳۳۰ یا

قسم - خیابان ارم پاساژ قدس - طبقه

سوم شماره ۱۹ دفتر مراجعات پاسدار

اسلام ارسال فرمائید تا بخواست خداوند

با چاپ آن گامی در جهت معرفی و تجلیل

شهدای روحانیت برداشته شود.

پاسدار اسلام / ۲۵



## دنباله تفسیر

کرده بجای آن آیتی دیگر آورده، بسم، در  
صورتی که خدا بهترین داند آنچه چیز نازل  
کند.

این آیات با صراحت کامل "نسخ" در  
آیات قرآن را روشن می سازد. خود نسخ  
بهترین مصداق اختلاف و ناهمگونی در قرآن  
است.

این اشکال حاکی از روشن نبودن مفهوم  
نسخ برای اشکال کننده است. از این جهت  
قبلا واژه "نسخ" در لغت و اصطلاح علما  
و دانشمندان مذهبی روشن می کنیم و سپس  
به پاسخ می پردازیم:

"نسخ" در لغت بمعنی نوشتن چیزی  
است از روی نوشته دیگر. استنساخ و  
انتساخ نیز از همان است. نسخ در لغت عرب  
بمعنای "نقل"، "تغییر"، "از بین بردن"  
نیر آمده است، ولی در اصطلاح اندیشمندان  
اسلامی نسخ یعنی برداشته شدن حکمی از

احکام ثابت دینی در اثر سببی شدن  
وقت و مدت آن.

باین بیان بخوبی می فهمیم نسخ در  
قرآن و برداشته شدن حکمی از احکام الهی  
بدلیل گذشتن زمان حکم و عدم کارائی آن  
در زمان نسخ باعث تناقض و اختلاف و  
ناهمگونی نیست. چون حکم قبل از ابتدا  
کوتاه مدت بوده و برای زمان معین وضع شده  
بود، نه برای همه زمانها و همه انسانها و  
نسلها.

اگر باز بگویند نوعا در جایی که بین دوا به  
از آیات قرآن اختلاف و منافات وجود داشته  
باشد مفسرین آیه دوم را نسخ، و اولی را  
منسوخ می گویند، این خود حاکی از اختلاف  
در قرآن است. می گوئیم بنظر ما اینگونه  
آیات در قرآن وجود ندارد و بهترین گواه ما  
آیه ۸۳ سوره "نساء" است که به تفصیل  
در باره اش سخن گفتیم.